قفسه

«توراج» به‌روایتِ زینب محمدقلی‌زاد

پول کثیف، مانند بذر فسادی‌ست که در دل جامعه کاشته می‌شود و باگذشت‌زمان، درخت تناوری از فساد به‌بار می‌آورد. این درخت، سایه‌ای سنگین بر سر همه می‌افکند ...؛ این، ماجرای تیتان است! شهری جدید و پیشرفته، آلوده به پولی کثیف! «توراج» ماجرای یک شهر جدید است در آینده؛ حوالی دریاچه ارومیه که بعد از مرگ یکی از کارگران معدن، دچار التهاب می‌شود. این کتاب، دومین اثر «زینب محمدقلی‌زاد» است که در سال ۱۴۰۴ به‌چاپ رسید. او پیش‌تر در دوره سوم «جشنواره خودنویس»، طرح رمانش پذیرفته شده بود و «از دانوب تا اروند» را به‌چاپ رساند. جدیدترین اثر او، در ۲۱۲ صفحه به مخاطبان عرضه شده و جزو پرفروش‌ترین آثار نشر «صاد» در سی‌وششمین نمایشگاه کتاب بود.



صحنه

سایه | زهرا شایان‌فر

«جعفرخان از فرنگ برگشته» در سنگلج

نمایش «جعفرخان از فرنگ برگشته» به‌کارگردانی الهام ذوالفقاریان؛ در «تماشاخانه سنگلج» به‌روی صحنه است. کمدی «جعفرخان از فرنگ برگشته»، معروف‌ترین نمایشنامه «حسن مقدم» است که به تحجر اجتماع سنتی و غربزدگی می‌پردازد. این نمایشنامه که به‌سال ۱۳۰۰ نوشته شده و بارها روی صحنه رفته، همچنان یکی از جذاب‌ترین نمایش‌های کمدی ایرانی محسوب می‌شود. تهیه‌کنندگی این اثر را «الهام ذوالفقاریان» و «علی بهرمند» برعهده دارند. شهروز مازندرانی، فاطمه رحمانی، پوریا خوش‌بین، عطا کشاورز جود، آیدا ملک‌رودی، یاس یابنده‌ذر، مطهره مشهدی، هدیه جدیدی، فرحناز ملاباقری، صدفناز فرقانی، بهاره مصحفی و نگین عالمی؛ بازیگران آن هستند. در گروه موسیقی نیز مرتضی ظهرابی و حامد جلائی‌پور حضور دارند. طراح لباس این نمایش: ندا سالاری، محمدرضا صورتی و مجتبی عابدینی؛ طراح صحنه: پوریا خوش‌بین؛ طراحان گریم: سهیلا جوادی و احسان رشیدی؛ طراح نور: میثم کحالی و طراح پوستر: عماد رجبلو هستند. در گروه کارگردانی حسین دیردار به‌عنوان مشاور کارگردان، پوریا خوش‌بین به‌عنوان دستیار یک کارگردان، آیدا ملک‌رودی به‌عنوان برنامه‌ریز و دستیار دو کارگردان، مهدی صفاری‌نژاد به‌عنوان منشی صحنه، میثم نصر به‌عنوان مدیر صحنه همکاری دارند. دستیار یک صحنه: حسام طالبی، دستیار دو صحنه: علیرضا شمسی، دستیار یک لباس: زهرا فاضل، مشاور رسانه و روابط‌عمومی: میثم تحریری، دستیار روابط عمومی: کاووسی از همکاران آن هستند.

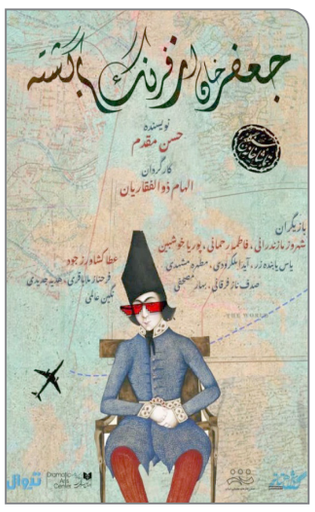

جشنواره

مستند «پنوسر»؛ برگزیده جشنواره مجارستان

«پنوسر» به‌تهیه‌کنندگی و کارگردانی حسین فتاحی؛ تندیس و جایزه بهترین مستند نهمین جشنواره «زیگموند ویلموش» مجارستان را گرفت. جشنواره یادشده، یک رویداد سینمایی معتبر در مجارستان است که از سال ۲۰۱۷ به‌یاد فیلم‌بردار برجسته مجارستانی «ویلموش زیگموند» برگزار می‌شود. این جشنواره با تمرکز ویژه بر هنر فیلم‌برداری و زیبایی‌شناسی بصری و معماری ساختار سینما برگزار می‌شود. «پنوسر» روایتی شاعرانه و چشم‌نوازی از زندگی پیرمرد چوپانی‌ست که در دل طبیعت و کوهستان بر روی سنگ‌ها و سخره‌ها متبحرانه نقاشی می‌کشد و طبیعت را با رنگ و قلم بر سنگ‌ها بازنگاری می‌کند. فیلم‌برداری این فیلم طی چندین‌فصل در منطقه سوادکوه مازندران انجام شده و مدتی‌پیش هم از پنجمین‌دوره فستیوال بوالیتی فرانسه دیپلم افتخار دریافت کرد. از عوامل اصلی این فیلم مستند می‌توان به تدوین: مهدی قنواتی، صداگذاری: شاهین پورداداشی، اصلاح رنگ و نور: رضا تیموری، گرافیک: مدیا واثقی، فیلم‌بردار، کارگردان و تهیه‌کننده: حسین فتاحی اشاره کرد.



«شقایق فکور»؛ همخوان گروه کُر «شبی که باد در شاخه‌هایم پیچید»:

تلفیق هنر و آموزش همواره برایم جذاب بوده است





سایه | امین کردبچه چنگی

«شقایق فکور»؛ معلم و هنرمند، با حضور در گروه کُر نمایش «شبی که باد در شاخه‌هایم پیچید»، تجربه‌ای منحصربه‌فرد از تلفیق هنر و آموزش را رقم زده است. او دراین‌گفت‌وگو ضمن بیان دیدگاه‌های خود درباره اهمیت هنر کُرال در نمایش و چالش‌های پیش‌روی هنرمندان شهرستانی، از نقش هنر در تربیت نسل جدید سخن گفته و هنر را مسیری بی‌پایان برای کشف و تجربه می‌داند. «فرهنگسرای رازی (ورامین)» اردیبهشت‌ماه امسال میزبان ملودرام «شبی که باد در شاخه‌هایم پیچید» به‌قلمِ «روح‌الله سمیع» و کارگردانی «علیرضا تاجیک» بود. این نمایش، با بهره از هنرمندیِ جمعی از بازیگران و نوازندگان، تلاش کرد تجربه‌ای متفاوت را برای مخاطبان رقم بزند. دراین‌میان، حضور گروه کُر، با اجرا و صدای «مهسا رودگر» و «شقایق فکور»؛ همخوانانی که علاوه‌بر هنر، در کِسوت معلمی نیز به پرورش ذوق هنری دانش‌آموزان می‌پردازند، جلوه‌ای ویژه به‌نمایش بخشید.

تلفیق جذاب همیشگی هنر و آموزش

«شقایق فکور» بابیان‌اینکه خود را هم معلم و هم هنرمند می‌داند، گفت: «از سال ۱۳۹۹ به‌عنوان معلم دبستان مشغول به‌فعالیت شده‌ام. همواره کوشیده‌ام تا آموزش را به‌شیوه‌ای متفاوت و خلاقانه ارائه دهم». وی بااشاره‌به‌اینکه همواره تلاش داشته فضای آموزشی را برای دانش‌آموزان جذاب نماید، گفت: «از نمایش و موسیقی در تدریس نیز بهره برده‌ام تا کودکان بتوانند ارتباط عمیق‌تری با مطالب برقرار کنند». وی بااذعان‌به‌اینکه تحصیلاتش در رشته آموزش ابتدایی و علوم تربیتی بوده است، گفت: «همواره درتلاش بوده‌ام در کنار آموزش، فضای آموزشی را نیز برای دانش‌آموزان دل‌نشین سازم». وی بابیان‌اینکه از ۱۳۹۴ عضو گروه کُرال «شباهنگ» بوده و در جشنواره‌ها و مسابقات متعددی شرکت کرده است، گفت: «از سال ۱۳۹۹ نیز وارد دنیای نمایش شدم و در نمایش شبی که باد در شاخه‌هایم پیچید، نقش خواننده کُرال را ایفا کردم». وی ترکیب هنر و آموزش را برای خود جذاب برشمرد و افزود: «برایم اهمیت دارد که در هر دو حوزه بتوانم به‌شکلی مؤثر عمل کنم».

تجربه‌ای خاص درهمکاری با یک گروه نمایشی

«فکور» بابیان‌اینکه حضورش در گروه نمایشی تجربه‌ای خاص بود، گفت: «دراین‌گروه به‌عنوان خواننده کُرال حضور داشتم و این تجربه نه‌تنها امکان داد هنرهای مختلف را در یک اثر تلفیق کنم؛ بلکه به من آموخت چگونه می‌توان در کنار هنرمندان، یک اثر بزرگ خلق کرد». وی همکاری با گروه «افرا» را فراتر از یک فعالیت هنری دانسته و بابیان‌اینکه آن‌را راهی برای بیان احساسات و انتقال پیام به تماشاگران می‌داند، گفت: «در ترکیب هنرها با یکدیگر، فضایی منحصربه‌فرد ایجاد می‌شود که فراتر از نمایش معمولی‌ست و می‌تواند تأثیر عمیقی بر تماشاگران بگذارد». وی باتأکیدبراینکه تلفیق هنرها می‌تواند تجربه‌ای عمیق برای مخاطب ایجاد کند، گفت: «برای من این، چیزی فراتر از یک همکاری هنری‌ست؛ یک دنیای جدید و سرشار از احساسات است که می‌توانم با آن ارتباط برقرار کنم و این ارتباط را با دیگران نیز به‌اشتراک بگذارم».

هیچ‌چیزی در هنر به‌تنهایی کامل نیست

«فکور» بابیان‌اینکه حس فوق‌العاده‌ای دارد وقتی می‌بیند هنرش مکمل هنر دیگری‌ست، گفت: «واقعاً حس فوق‌العاده‌ای‌ست وقتی می‌بینم هنرم می‌تواند مکمل یک هنر دیگر باشد. به‌نظرم هیچ‌چیزی در هنر به‌تنهایی کامل نیست و همواره ارتباطی با هنرهای دیگر دارد». وی بابیان‌اینکه وقتی نمایش و موسیقی درکنارهم قرار می‌گیرند، گویی داستان از زوایای مختلف روایت می‌شود، گفت: «موسیقی، آن حس‌وحال را می‌سازد و نمایش، آن حس را در قالب داستان نشان می‌دهد. این ترکیب، نه‌تنها یک تجربه هنری برای من بود؛ بلکه باعث شد تماشاگر نیز تجربه‌ای متفاوت را احساس کند».

گروه‌های کُرال؛ و یافتن تدریجیِ جایگاه خود در هنر

وی بابیان‌اینکه گروه‌های کُرال به‌تدریج جایگاه خود را در هنر یافته‌اند، گفت: «البته این‌مسیر هنوزهم ادامه دارد و همیشه می‌توان بهتراز‌این هم بود». وی بااذعان‌به‌اینکه در گذشته شاید توجه چندانی به نقش گروه‌های کُرال در نمایش‌ها نمی‌شد، گفت: «اما اکنون این‌گروه‌ها به‌عنوان بخش جدایی‌ناپذیر از اجراها شناخته می‌شوند و نقششان در انتقال حس و پیام اثر، مهم است». این هنرمند بابیان‌اینکه گروه‌های کُرال می‌توانند به نمایش‌ها روح و عمق ببخشند، گفت: «این‌نوع از هنر، نه‌تنها به موسیقی کمک می‌کند؛ بلکه تأثیر زیادی در نحوه انتقال احساسات به تماشاگران نیز دارد». وی باتأکیدبراینکه هنوز در بسیاری از پروژه‌ها نیاز به رشد و پیشرفت هست، افزود: «اما خوشبختانه در سال‌های اخیر، گروه‌های کُرال جایگاه ویژه‌ای پیدا کرده‌اند و این، دلگرم‌کننده است».

ضرورت حفاظت از صدا برای معلم و هنرمند

این آموزگار هنرمند بابیان‌اینکه حفاظت از صدا برایش بسیارمهم است، توضیح داد: «زیرا هم به‌عنوان معلم و هم به‌عنوان هنرمند باید بتوانم همیشه با صدایی سالم و قوی ارتباط برقرار کنم». وی افزود: «اغلب‌اوقات سعی می‌کنم صدایم را قبل از هر اجرا یا تدریسی گرم کنم؛ این به من کمک می‌کند تا فشار و خستگی از آن دور شود و درواقع، آن درخشش و شفافیت لازم را داشته باشد». این هنرمند کُرال، مهم‌ترین امر دراین‌هنر را «احترام به صدای خود» دانسته و گفت: «وقتی احساس کنم صدایم خسته شده یا نیاز به استراحت دارد، به خودم اجازه می‌دهم استراحت کنم؛ زیرا می‌دانم که صدای سالم به من کمک می‌کند در هر دو عرصه تدریس و هنر، به‌بهترین‌نحو ممکن ارتباط برقرار کنم».

درک عمیق‌تر با غوطه‌ورشدن در داستان

«فکور» بابیان‌اینکه قصه‌ها و روایات متون نمایشی تأثیرگذارند، گفت: «به‌نظرم هر داستان، احساسات و تجربیات جدیدی را برایم به‌همراه دارد و برای من به‌عنوان هنرمند مهم است که بتوانم به‌درستی آن احساسات کاراکترم را منتقل و با آن ارتباط برقرار کنم». وی بابیان‌اینکه همواره بادقت‌تمام درگیر قصه و جزئیات آن می‌شود، گفت: «این تأثیرگذاری هیچ‌وقت به اختلال در کار من تبدیل نشده؛ بلکه برعکس هم بوده؛ هرچه‌بیشتر در آن داستان غوطه‌ور شوم، بهتر می‌توانم آن‌را درک کنم و در اجرا به‌نمایش بگذارم». وی بااذعان‌به‌اینکه ممکن است گاهی احساساتش به‌قدری قوی شود که او را غرق کند، گفت: «اما نهایتاً این غرق‌شدن در داستان، به من کمک می‌کند تا بهترین عملکردم را داشته باشم؛ و حس‌وحال و درک عمیق از داستان به‌نظرم باعث می‌شود اجرا حتی طبیعی‌تر و باورپذیرتر شود».

عشق به هنر؛ بزرگ‌ترین انگیزه برای هنرمندان شهرستانی

«فکور» بابیان‌اینکه گروه‌های نمایشی در شهرستان‌ها با چالش‌های خاص خود روبرو هستند، توضیح داد: «یکی از بزرگ‌ترین سختی‌ها همان محدودبودن منابع و امکانات است که دراین‌مناطق معمولاً تئاتر و هنرهای نمایشی به‌اندازه تهران یا شهرهای بزرگ دیده نمی‌شوند». وی افزود: «نیز ممکن است مردم دراین‌مناطق به‌اندازه جاهای دیگر به تئاتر و نمایش علاقه نشان ندهند و این، به گروه‌ها فشار می‌آورد تا بتوانند تماشاگر جذب و هنر خود را معرفی کنند». وی درعین‌حال این چالش را فرصتی برای خلاق‌ترشدن گروه‌ها دانسته و بااشاره‌به‌اینکه آنان راه‌های جدیدی برای جذب مخاطب می‌یابند، افزود: «برای هنرمندان شهرستانی به‌نظرم بیشتر، آن عشق و علاقه به هنر است که بزرگ‌ترین انگیزه برای ادامه کارشان محسوب می‌شود و دراین‌شرایط بیشتر از هرچیزی باید روی حمایت‌های جمعی و کارگروهی حساب کرد تا هنرمندان بتوانند با وجود همه مشکلات، اثر هنری خود را به‌نمایش بگذارند».

وقتی با هنر سروکار دارم بخشی از روح خود را نشان می‌دهم

«فکور» بابیان‌اینکه عشق به هنر، بزرگ‌ترین عامل ثابت‌قدم‌ماندن اوست، گفت: «وقتی با هنر سروکار دارم، احساس می‌کنم دارم بخشی از روح و درون خود را به‌دنیا نشان می‌دهم؛ و هیچ‌چیز نمی‌تواند این حس را از من بگیرد». این هنرمند، دیدن تأثیر هنر بر افراد را عامل مهم دیگری خواند و بابیان‌اینکه وقتی می‌بیند یک اثر هنری می‌تواند قلب کسی را لمس کند یا وقتی کودکان در کلاس با یک فعالیت هنری ارتباط برقرار کرده و خوشحال می‌شوند، انگیزه می‌گیرد، گفت: «آن‌لحظات، انگیزه مضاعفی می‌شوند؛ زیرا هنر می‌تواند دنیا را تغییر دهد یا حداقل بخشی‌ازآن را زیباتر کند و این، همیشه باعث می‌شود که با وجود تمام سختی‌ها و چالش‌ها، به مسیرم ادامه دهم». وی بابیان‌اینکه در مدرسه، خود را «معلم هنرمند» معرفی می‌کند، گفت: «در مدرسه همیشه سعی می‌کنم خودم را به‌عنوان یک معلم هنرمند معرفی کنم. برایم بسیارمهم است که بچه‌ها بفهمند که هنر می‌تواند قسمتی از زندگی روزمره‌شان باشد و در هرکاری‌که انجام می‌دهند نقش ایفا کند». این هنرمند بابیان‌اینکه وقتی خود را به‌عنوان یک هنرمند به کودکان معرفی می‌کند، این حس را به آنان انتقال می‌دهد که هیچ‌چیز نمی‌تواند خلاقیت و احساساتشان را محدود کند، گفت: «سعی می‌کنم به بچه‌ها نشان دهم که هنر فقط روی صحنه یا در کلاس‌هایی خاص نیست؛ بلکه می‌تواند در بازی، نقاشی، شعرگفتن یا حتی در درس‌هایی مانند ریاضی و علوم نیز حضور داشته باشد». وی این‌گونه معرفی‌کردن را سببِ دیدن هنر به‌عنوان یک «زبان جهانی ازسوی کودکان» دانسته و افزود: «همچنین بااستفاده‌از نمایش‌های خلاق و فعالیت‌های هنری در تدریس کمک می‌کنم تا بچه‌ها نه‌تنها یاد بگیرند؛ بلکه از یادگیری لذت ببرند».

از علاقه معلم به هنر تا احساسِ درک‌شدن دانش‌آموز

وی بابیان‌اینکه فعالیت‌های جانبی‌اش ارتباط خوبی با شاگردان برقرار می‌کند، گفت: «وقتی بچه‌ها می‌بینند معلمشان در کنار تدریس، به هنر علاقه دارد و در فعالیت‌های هنری شرکت می‌کند، به‌نظرم احساس می‌کنند که کنارشان کسی هست که دنیای آن‌ها را درک می‌کند و به آن‌ها انگیزه می‌دهد تا در زمینه‌های مختلف خود را امتحان کنند». وی این فعالیت‌ها را نه‌تنها وسیله‌ای برای جذاب‌ترکردن تدریس می‌داند؛ بلکه بااشاره‌به‌اینکه باعث آشنایی کودکان با دنیایی جدید از خلاقیت و هنر می‌شود، افزود: «این فعالیت‌ها برای من، پُلی برای برقراری احساس مشترک با بچه‌هاست و به آن‌ها نشان می‌دهد که هنر می‌تواند به همه جنبه‌های زندگی وارد شود». وی باتأکیدبراینکه برای کودکان مهم است که ببینند معلمشان نه‌تنها درس می‌دهد بلکه خود نیز درحال‌یادگیری و خلق‌کردن است، افزود: «این می‌تواند انگیزه زیادی به آن‌ها بدهد؛ به‌نظرم».

بچه‌های بسیار کنجکاو و باهوش امروزی

«فکور» بابیان‌اینکه بچه‌های امروز، کنجکاو و باهوش‌اند، گفت: «به‌نظرم بچه‌های امروز به‌طورطبیعی تمایل دارند که چیزهای جدید را امتحان کنند. وقتی فعالیت‌های هنری را به‌شکلی جذاب و خلاقانه به آن‌ها معرفی کنیم، راحت جذب می‌شوند و باعلاقه در آن‌ها مشارکت می‌کنند». این هنرمند، هنر را برای کودکان به‌مثابه دنیایی جادویی دانسته و بابیان‌اینکه هرروز چیز جدیدی در آن کشف می‌کنند، گفت: «همچنین نسل جدید، به دنیای دیجیتال و فناوری، نزدیک‌تر است و خب برای‌همین گاهی‌اوقات کارهای هنری سنتی ممکن است برایشان جذابیت کمتری داشته باشد؛ اما وقتی هنر را بااستفاده‌از فناوری‌های جدید ترکیب کنیم، این علاقه بیشتر می‌شود». وی بااشاره‌به‌اینکه در تدریس، از ابزارهای دیجیتال و روش‌های خلاقانه استفاده می‌کند، گفت: «بچه‌ها اگر خودشان انتخاب کنند و باعلاقه در فعالیت‌ها مشارکت کنند، خب این انتخاب داوطلبانه‌شان باعث می‌شود که هنر برای آن‌ها نه‌فقط یک فعالیت؛ بلکه یک روش برای ابراز احساسات و خلاقیتشان شود».

رسانه‌ها؛ پلی بین استعدادها و دنیای بزرگ‌تر

وی بابیان‌اینکه رسانه‌ها تأثیر بسیاری در استعدادیابی «دانش‌آموزان هنرمند» دارند، گفت: «رسانه‌ها می‌توانند پل ارتباطی باشند بین استعدادهایی که هنوز شناخته نشده‌اند و دنیای بزرگ‌تری که آماده پذیرفتن آن‌هاست». وی بابیان‌اینکه وقتی رسانه‌ها توجه بیشتری به فعالیت‌های هنری در مدارس و آموزشگاه‌ها می‌کنند، به کودکان این احساس را می‌دهند که هنر نه‌فقط یک سرگرمی؛ بلکه می‌تواند یک مسیر حرفه‌ای و جدی باشد، گفت: «مخاطبان رسانه‌ها معمولاً از طیف‌های مختلف هستند؛ پس وقتی فعالیت‌های هنری بچه‌ها پوشش داده شود، می‌تواند به آن‌ها فرصتی برای دیده‌شدن دهد». وی این‌موضوع را انگیزه‌بخش و بالابرنده اعتمادبه‌نفس کودکان دانست و باتأکیدبراینکه هنر، بخشی از هویت و زندگی آنان می‌شود، افزود: «هرچقدر رسانه‌ها بیشتر به بچه‌ها و هنرمندان نوظهور توجه کنند، فرصت‌های بیشتری برای کشف و پرورش استعدادهای جدید فراهم می‌آید. این توجه رسانه‌ای می‌تواند به کودکان نشان دهد که هنر آن‌ها ارزشمند است».

پریدن از مانع محدودیت‌ها در مسیر پیشرفت

«فکور» گفت: «متأسفانه محدودیت‌هایی برای فعالیت موسیقی بانوان در کشور وجود دارد که گاهی باعث می‌شود کارکردن دراین‌حوزه تاحدودی چالش‌برانگیز شود؛ اما درعین‌حال، این محدودیت‌ها هرگز مانع پیشرفت من نشده؛ بلکه برعکس، همیشه سعی کرده‌ام با چالش‌ها روبرو شوم و از این‌شرایط به‌عنوان محرکی برای بهترشدن استفاده کنم». وی مهم‌ترین نقطه‌قوت خود را استفاده از فرصت‌ها دانسته و گفت: «به‌عنوان یک هنرمند، مهم‌ترین ویژگی برای من این‌است‌که از فرصت‌ها استفاده کنم و به‌دنبال راه‌هایی باشم تا هنر خود را به‌بهترین‌شکل ارائه دهم». وی بابیان‌اینکه محدودیت‌ها ممکن است باعث تأخیر در پروژه‌ها شود یا امکان فعالیت در شرایط ایدئال را از او بگیرد، گفت: «اما همیشه سعی کرده‌ام با پشتکار و اراده قوی، راه‌حلی برای رفع موانع پیدا کنم و نهایتاً معتقدم که محدودیت نمی‌تواند مانع از رسیدن من به هدفم شود، زیرا به هنر و توانایی‌های خود ایمان دارم».

آینده روشن هنر کُرال در تلفیق با نمایش

«فکور» درباره آینده هنر کُرال در تلفیق با نمایش، گفت: «به‌نظرم آینده آن، روشن و امیدوارکننده است. همان‌طورکه دیدیم؛ در سال‌های اخیر، استقبال از این‌نوع اجراها بیشتر شده و مخاطبان ارتباط عمیق‌تری با آن برقرار می‌کنند». وی بابیان‌اینکه تلفیق «صدا، حرکت و داستان» تجربه‌ای چندبُعدی و جذاب برای تماشاگر ایجاد می‌کند، گفت: «فکر می‌کنم نسل جدید هنرمندان نیز به این‌نوع تجربه‌های خلاقانه علاقه‌مند بوده و با ایده‌های نو می‌توانند مرزهای این دو هنر را بیشترازقبل جابجا کنند». وی بااشاره‌به اهمیت حمایت از گروه‌های کُرال و فراهم‌کردن فرصت‌های بیشتر برای اجرا، گفت: «اگر این حمایت‌ها به‌درستی انجام شود، می‌توانیم شاهد شکوفایی بیشتر این هنرِ ترکیبی در ایران باشیم». وی درپایان ابراز امیدواری کرد؛ هنر کُرال جایگاه ویژه‌تری میان سایر هنرهای نمایشی بیابد و مخاطبان بیشتری، با این «زبان هنری» ارتباط برقرار کنند.

خودنویس

سایه | محمدرضا دُرانی‌نژاد*

«شعر فراگفتار» در حال ترقی یا افول؟!

دوست خوبم جناب جمال بیگ در نقدی که شعر یکی از شاعران دارد می‌گوید: «شعر، نتیجه رفتار و کردار برجسته زبان است که با حرکت در عمق و اخلاق کلمات، زیبایی و لذت را می‌آفریند. اگر این کارکرد بامهارت انجام بپذیرد به آفرینش هنری منجر می‌شود. اصولاً تعریفی که امروزه از شعر می‌شود مبتنی‌بر خروج از سلسله‌مراتب اداری آن است و هرچقدر بتواند خود را از این چنبره‌های دست‌وپاگیر آزاد کند به معنا و زبانی جدید می‌رسد. افق جسارت‌های یک شعر به اجرای خوب زبانی و محتوای هنری خود وابسته است». در مصاحبه‌ای که چندسال‌پیش با وی داشتم، از ذهن غیرکلاسیک برای سرودن و درک شعر فراگفتار گفت: «از خصوصیات بارز فراگفتار نگاه به خصوصیات چندگانه کلمات است که آن‌ها را دعوت به دنیای جهان‌شمول شعر می‌کند و با ایجاد توانمندی و ظرفیت‌پذیری در کلیت یک شعر آن‌ها را در جایگاه جدید خود قرار می‌دهد و از کارکرد آن‌ها معنای جدیدی را می‌آفریند. برای ایجاد رابطه با شعر فراگفتار حتماً نیازمند ذهنیت غیرکلاسیکی هستیم چراکه در شعر کلاسیک جمع تناسب‌ها را داریم و در شعر سپید فراگفتار یکی از عناصر تأثیرگذار آن جمع تناقضات است». ما می‌دانیم چندین مدل ذهنی داریم: مدل ذهنی زیست‌شناسی، مدل ذهنی تفکر سیستمی، مدل ذهنی فهم اعداد، مدل ذهنی اقتصاد خرد، مدل ذهنی طبیعت و قضاوت انسان. یک انسان با تمرینات زیاد می‌تواند مدل ذهنی چندگانه داشته باشد. اصولاً ذهن غیرکلاسیک چیست؟ منظور ما از ذهن غیرکلاسیک همان ذهن مدرن فیزیکی یا ذهن کوانتومی است. فرضیه ذهن کوانتومی یا آگاهی کوانتومی پیشنهاد می‌کند که مکانیک کلاسیک نمی‌تواند پدیده خودآگاهی را توضیح دهد؛ درحالی‌که پدیده‌های کوانتومی مانند برهم‌نهی و درهم‌تنیدگی کوانتومی ممکن است بخش مهمی از آگاهی را توضیح دهد. بحث اصلی برابر نظریه ذهن کوانتومی این‌است‌که حالت‌های کوانتومی در مغز قبل‌ازاینکه به یک حالت فضایی یا زمانی مناسب برای پردازش عصبی برسند دچار پدیده همدوسی می‌شوند. این استدلال توسط فیزیکدان «مکس تگمارک» دقیقاً بیان شد. وی طبق محاسبات به‌این‌نتیجه رسید که سیستم‌های کوانتومی در مغز سریعاً درمعرض پدیده همدوسی قرار می‌گیرند و نمی‌تواند عملکرد مغز را کنترل نمایند. نتیجه‌ای که من از سخنان وی درمی‌یابم این‌است‌که: وقتی وی از هم‌افزایی تناقضات در شعر به‌جای هم‌افزایی تناسب‌ها می‌گوید به‌این‌معناست‌که شاید بتوانیم با هم‌افزایی تناقضات یا ملغمه‌ای از تناقضات و تناسبات ذهن مخاطب را دچار یک‌نوع همدوسی؛ و جریان سیال ذهن را در وی بارور کنیم. وی در جواب سؤالم که پرسیدم «حوزه‌های شعر فراگفتار چیست؟» گفت: «البته در فراگفتار در دو حوزه این اتفاق می‌افتد که هم‌زمان این دو فرایند همدیگر را پوشش می‌دهند و آن حوزه زبان و حوزه ساخت معناست که شعر را شکل می‌دهند». امیرحسین شریفیان در تعریف فراگفتار می‌گوید: بی‌تردید اگر برای ادبیات معاصر و بخصوص شعر سپید، گرایشی جدید در فضای فنیک و ایدئولوژی قائل باشیم، فراگفتار بسیاری از راهکارهای اساسی را، بدون هیچ ادعایی دراختیار شاعر قرار می‌دهد. یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های شعر فراگفتار، هم‌خوانی بین ترکیب‌های بیرونی جملات در بندهای منسجم با کارکردی درونی که نشأت‌گرفته از ذات کلمه است، شکل می‌گیرد. شما با ترکیب‌های خیال‌انگیز دقیقاً احساس را، وارد این‌گونه شعر سپید کرده و ساختار را می‌شکنید که در اوج شکستن با ساختاری دگرگون‌شده، فرمی بسیار منسجم را به‌وجود می‌آورید. این خود یکی از بهترین تکنیک‌های این ژانر از شعر سپید محسوب می‌شود. البته شعر فراگفتار را می‌توان ازمنظر روان‌شناختی موردمطالعه قرار داد که دراین‌مقاله نمی‌گنجد. به‌نظر نگارنده بی‌شک فراگفتار درحالی‌که از سنت‌های فلسفی کمک می‌گیرد به ساختارشکنی روی می‌آورد البته بیشتر در حوزه زبان تا معنا، نیز نیم‌نگاهی به پسامدرن و اگزیستنسیالیسم دارد؛ و چون شعر فراگفتار از حالت خطی و دستوری خارج می‌شود و به‌زبانی سیال روی می‌آورد؛ پس برای خوانش و درک آن احتیاج به ذهنی سیال و غیرکلاسیکی دارد و مخاطب تا ذهن غیرکلاسیک خود را فعال نکند و به تقویت آن نپردازد نمی‌تواند با فراگفتار مأنوس شده و با شاعر احساس هم‌ذات‌پنداری نماید. درپایان به‌نظر این نگارنده؛ شعر فراگفتار علی‌رغم تلاش و کوشش‌های یک‌تنه و زیاد جمال بیگ هنوز نتوانسته در لایه‌های خاصی از اجتماع جای خاص خود را بیابد؛ و برای اینکه این‌نوع شعر که نحله‌ای از شعر سپید است به آرزوهای آرمانی خود برسد باید تلاش جمعی بیشتری؛ خصوصاً در حوزه کاغذی شکل بگیرد؛ چراکه در فضای مجازی تاحدودی این کوشش‌ها انجام شده و تااندازه‌ای هم مثمرثمر بوده است. برای ایشان و سایر متصدیان آرزوی موفقیت می‌نمایم.

شعری فراگفتار از «جمال بیگ»

اومانیسم واگیردار
از خیلی‌وقت‌ها می‌شود
روی موج‌های این رادیو
تار می‌زنم
اکنون‌که به چنگم آورده‌ای
امانیسم سرت را
از روی شانه‌ام بردار
من از تمام آسمان خراش‌هایت می‌ترسم
حالاکه قرار نیست
از پله‌برقی‌های این کافه
بیفتم‌لای پیتزای پابرهنه‌ای
بپرم وسط حرف‌های عاشقانه
چه فرقی می‌کند
حشره باشم یا آدم
باید روزی بچسبم
روی ستون تسلیت
لنگه‌کفشی که میکس می‌شود
روی میخچه‌های تنم
حتی اگر ثبت‌احوال شما
بخورد به رگ غیرت شناسنامه‌ام
باز اماکوتاه نمی‌آیم
از این رادیوی فکسنی
که هرشب تارم را می‌پخشد
روی عنکبوت‌های تنت
حالا خیال کن
دارد خوابم می‌برد
اما دست از سر دست‌هایم
برنمی‌دارم ...

به‌طورکلی می‌توان موارد زیر را برای فراگفتار قرارداد نمود:
۱. تصرف و اتفاق در زبان با نوآوری آشکار در تکنیک سرایش و کاربست جدید واژه با اعتراف به اینکه ضرورت تنوع و تازگی، خود واقعیتی جداناپذیر از زبان شاعرانه است.
۲. واگردهای نوستالژیکی که به مخاطب فرصت هم‌ذات‌پنداری می‌دهد و به‌شکلی مخاطب را عضوی از شعر می‌انگارد.
۳. چندگانگی معناست که باتوجه‌به نحوه استخدام واژه و چیدمان آن در کلیت و جزییات شعر او را وادار به معناهای مختلف می‌کند.
۴. ضدیت عناصر درون‌متن که تبدیل به کنش و واکنش غیرقابل‌پیش‌بینی در شعر می‌شود.

*دکترای معادل فیزیک ذرات بنیادی و نظریه میدان‌ها

